



عبدالاحمد فیض

## قوانین بین المللی در اسارت زور!

فلسطین ملت که زندگی شان بارنج واندوه بیکران گره خورده است و سده های متمادی یعنی از سال (۱۵۱۷) تا (۱۹۱۷) تحت سلطه امپراطوری عثمانی بدون حق حاکمیت حیات بسر برده و بعد از فروپاشی دولت عثمانی در نتیجه جنگ اول بین المللی در سال ۱۹۱۷ بعنوان یک سرزمین مستقل اعلام موجود نمود و در همین برهه تاریخی بود که این ملت بموجب ماده (۲۲) منشور جامعه ملل از حق شناسایی بمثابه ملت و سرزمین مستقل برخوردار گردید.

لازم به یادمانی است که علی الرغم حق حاکمیت که بموجب قوانین بین المللی، مردم عرب فلسطین از آن بر خوردار گردید، جامعه ملل بمثابه یک نهاد جهانی با امان به اصل بین المللی قیومیت و با در نظر داشت چگونگی سطح توسعه و انکشاف جوامع جدید، بدلیل عدم امدگی ملت فلسطین به ایجاد زعامت ملی و رهبری امور داخلی، مجوز حق قیومیت بریتانیا بر سرزمین فلسطین صادر شد.

قیومیت بریتانیا که تا سال (۱۹۴۸) ادامه یافت، علی الرغم تضمینات حقوقی مبنی بر حق حاکمیت فلسطین، در روشنایی معاهده بالفور به بریتانیا این امکان فراهم گردید تا زمینه اسکان مهاجران یهودی را در محور اهداف در زمدت غرب بخاطر ایجاد یک دولت یهودی، در برخی مناطق فلسطینی فراهم سازد، لذا سر آغاز روزهای سیاه بعدی برای ملت فلسطین بود که درین مرحله تاریخی رقم خورد.

سال (۱۹۴۸) دولت اسرائیل به حمایت بیدریغ ایالات متحده و بریتانیا عمدتا در راضی فلسطین پایگذاری شده و با ایجاد دولت یهودی ناقوس جنگ و اشغالگری به استشاره حامیان غربی به صدا درآمد.

رژیم یهودی بزرگترین اقدام برای اشغال سرزمینهای اعراب و به قصد گسترش جغرافیای نا مشروع در سال (۱۹۶۷) با چند کشور عربی وارد جنگ شد که در نتیجه این جنگ شش روزه به اشغال نظامی بیت المقدس شرقی، کرانه باختری رود اردن، نوار غزه و بلندیهای جولان که جزء قلمرو سوریه بود مبادرت ورزید.

بر بنیاد اصول بین المللی تجاوز و اشغال نظامی خشن ترین روش ناقص اصول رفتاری در روابط بین المللی است، زینرو سلیمان ملل متحد و کلیه نهاد های مدافع حق حاکمیت، کر برد زور و اشغال نظامی راضی فلسطین را توسط رژیم صهیونیستی اشغال توصیف و شورای امنیت با صدور قطعنامه های متعدد که همواره با ویوتی و اشنگتن مواجه بوده است، رژیم اسرائیل را به عقب کشی کامل از تمام مناطق تحت اشغال فراخوانده است که از ذکر قطعنامه های که در مقاطع گوناگون مبنی بر محکومیت اشغال صدور یافته است بدلیل طوالت موضوع اجتناب میگردد.

در روشنایی حقوق بین المللی تداوم حضور رژیم صهیونیستی در راضی تحت اشغال فلسطین، تداوم جنایت بین المللی است و قتل و کشتار رزمندگان و مردمان فلسطین که در راه های ملی میجنگند، جنایت جنگی و نقض صریح اصل حق تعیین سرنوشت توصیف میگردد، بنابراین سلطه ای (۵۳) ساله صهیونیسم بر قلمرو اعراب بخصوص فلسطین بیانگر مسوولیت بین المللی یاغیان از حقوق جهانشمول و حمایت دولت ترامپ با رونمای طوح صلح بنام معامله قرن که سیاست اشغال و سلطه جاپرانه رژیم اسرائیلی را استحکام میبخشد، بمثابه فاجعه قرن نه تنها تضییع بیشتر مانده و بی باکانه تمام ارزش ها و معیلهای بین المللی خوانده میشود بلکه ناقض آشکار معاهدات اسلو است که در سپتامبر سال (۱۹۹۳) و سال (۱۹۹۵) به وساطت و اشنگتن میان دولت اسرائیل و اداره خود گردان فلسطین به امضاء رسیده و زمینه برای ایجاد اداره خود گردان فلسطینی و قدرت اجرایی این اداره و کرانه باختری و نوار غزه بگونه محدود تضمین و راه برای حصول یک توافق در پرتومفاد قطعنامه های (۲۴۲-۳۳۸) شورای امنیت مفتوح گردید. با عنایت به موضوعات فوق، طوح صلح امریکا بنام معامله قرن که یورشلیم را بعنوان پایتخت بدون انقسام رژیم یهودی و سلطه اشغالگرانه اداره صهیونیست را و کبرانه باختری و بلندی های جولان تضمین مینماید، پیامدی جزء ادامه بحران، گسترش دامنه جنگ در تمام خاور میانه و زوال موقف بین المللی دولت متمدنی مانند امریکا نخواهد داشت فلذا بر بنیاد اصول پذیرفته بین المللی مانند اصل ممنوعیت تصاحب لرضی و الحاق، اصل تعیین سرنوشت، پرنسیب عدم دخالت و تجاوز و اصل مشروعیت مبارزه بخاطر هائی، صلح در سرزمین فلسطین و در مجموع خاور میانه با بیرون شدن کامل اسرائیل در عقب مرزهای بین المللی قبل از سال (۱۹۶۷) ممکن میگردد.